

همسویی دولت و ملت و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی جوامع؛ مطالعه طولی - تطبیقی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ میلادی

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۲۰ - تاریخ تصویب: ۹۶/۰۳/۲۱)

مسعود مطلبی^۱

جمال خان‌محمدی^۲

چکیده

با توجه به آنچه در تاریخ کشورها مشاهده می‌شود، تضاد بین دولت و ملت همواره یکی از معضلاتی بوده که کشورها اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته با آن درگیر بوده‌اند. این مطالعه در صدد بررسی اثر همسویی دولت و ملت بر توسعه اقتصادی در سالهای پایانی قرن بیست و آغاز هزاره جدید است. این تحقیق براساس روش تطبیقی- طولی انجام یافته که در آن داده‌های ثانویه برای ۱۴۴ کشور جهان از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ مورد تحلیل واقع شده است. نتایج نشان می‌دهند که همسویی دولت و ملت هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم توسعه اقتصادی جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. در ادامه ملاحظه شد که در کشورهایی که امروزه به عنوان کشورهای توسعه یافته به شمار می‌آیند، همسویی دولت و ملت بالاتر از سایر

۱. استادیار علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول) (mmtph2006@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی (hesam.Mohamadi66@yahoo.com)

کشورهای جهان بوده است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد از بین الگوهای متفاوت تعامل دولت و ملت، در کشورهای توسعه‌یافته‌ای نظیر کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی، نوع رابطه دولت و ملت از نوع تعاملی و رابطه متقابل بوده و دولت خود را در قبال ملت مسئول و پاسخگو و در مقابل ملت خود را در قبال دولت موظف به همکاری و همیاری می‌داند. این در حالی است که در سایر کشورهای توسعه‌نیافته جهان، نوع رابطه و تعامل دولت و ملت بیشتر از نوع تنازع و تضاد می‌باشد.

کلید واژه‌ها: همسویی دولت و ملت، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، ثبات سیاسی، مهاجرت

Archive of SID

خروج از عقب ماندگی و رسیدن به توسعه‌ای همراه با ثبات و امنیت و نیز پیدایی دولت برآمده از آزادی‌های مدنی، دو آرزوی دیروز و امروز بسیاری از روشنفکران و نخبگان کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم بوده است. ضعف انسجام سیاسی - اجتماعی و صف‌بندی‌های داخلی، دولت‌ها را به شدت در معرض شکنندگی قرار می‌دهد و زمینه را برای ظهور برخی مشکلات در سطح ملی را فراهم می‌سازد. از این رو اتخاذ سیاست‌های انسجام بخش و حرکت به سمت رضایتمندی، ایجاد مشروعیت و کسب حمایت‌های جمعی برای کشورها ضروری می‌باشد.

با توجه به آنچه که در تاریخ کشورها مشاهده می‌شود، با قطعیت می‌توان گفت که تضاد بین دولت‌ها و ملت‌ها همواره یکی از معضلاتی بوده که کشورها اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته با آن درگیر بوده‌اند. و تضاد یکی از مسائل باطنی کشورها بوده، که روند توسعه و اصلاحات در جوامع انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. اما جالب توجه اینکه، میزان و نوع تضاد و عدم همسویی در جوامع گوناگون متفاوت می‌باشد. تد رابرت گار جامعه شناس سیاسی آمریکایی معتقد است که عوامل ظهور و پیدایش تضاد میان دولت و ملت را می‌بایست در ریشه‌های تاریخی جوامع جست و جو کرد (Gurr, 2000: 9).

به نظر می‌رسد برای ایجاد همسویی و سازگاری میان دولت‌ها و ملت‌ها، شکل‌گیری ملی‌گرایی در جوامع ضروری می‌باشد. طبق عقیده ارنست گلنر ملی‌گرایی، فرزندی است که از ازدواج میان دولت و فرهنگ بوجود می‌آید (Convrsi, 2012: 3).



دولت و ملت دو وجود مستقل و متمایز از یکدیگر می باشند. دولت کارگزاری است با قدرت در سرتاسر آنچه در تابعیت اوست و همچنین این قدرت در درون سرزمین و قلمرویی است که مرزهای مشخصی را داراست و این در حالیست که ملت یک جمع اجتماعی است که به یک قلمرو مشخصی وابستگی دارند. دولت و ملت از راههای گوناگون به یکدیگر متصل می شوند و پویایی و پیشرفت یک جامعه در گرو حرکت همسو و متحدانه این دو در کنار یکدیگر می باشد. دولت و ملت به قدری به یکدیگر وابسته هستند که نبود و عدم همسویی یکی از آنها نیز دیگری را تهدید می کند و موفقیت های اقتصادی و سیاسی یک کشور در گرو اتحادی است که بین دولت و ملت می تواند وجود داشته باشد (Bijsterbosch, 2004: 4). ظهور ملیت‌گرایی قومی و شکل‌گیری دولت - ملت‌ها اگرچه در ابتدای امر پیشرفت‌های سیاسی و فرهنگی را بدنبال دارد، اما نباید از ابعاد اقتصادی آن غافل شد (Matis, 2003: 239).

آنچه که قابل ملاحظه به نظر می‌رسد، این است که پروژه دولت - ملت‌سازی و ظهور دولت‌های ملی باعث شکل‌گیری توسعه اقتصادی در درون مرزهای یک دولت می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به شکل‌گیری پول رایج ملی، ثبات در یکپارچگی مالی و مالیاتی و انسجام در بازارهای داخلی کشور، اشاره کرد. در طی این فرآیند است که زمینه برای تلاش داوطلبانه اقتصادی و سعی در رفع نیازهای اقتصادی کشور، مهیا می‌شود (Matis, 2003: 270).

به نظر می‌رسد آنچه که بیش از همه همسویی و اتحاد دولت - ملت را تهدید می‌کند تضاد و ناسازگاری‌های قومیتی، نژادی، دینی، طبقاتی، جنسیتی و ... می‌باشد، که در برخی جوامع دیده می‌شوند. بر همین اساس دولت‌ها می‌بایست در جهت جلب رضایت همه اقشار موجود در یک جامعه حرکت کنند تا از این

طریق زمینه همسویی و سازگاری میان دولت و ملت فراهم آید. همچنین این عدم همسویی می تواند دارای زمینه های فرهنگی و تاریخی در یک کشور باشد، که به موجب آن مردمان یک کشور همواره دولت ها را نامشروع قلمداد کرده و به مخالفت با آن می پردازند. لازم به ذکر است از آنجایی که همسویی دولت و ملت می تواند زمینه ساز شکل گیری یک هویت ملی واحد در یک کشور باشد، در این زمینه این سازگاری می تواند زمینه ساز بهبود وضعیت تولید ملی و حرکت به سمت توسعه اقتصادی در یک جامعه باشد (Biswas, 2002: 9).

فرضیه تحقیق بر این مهم تأکید دارد که همسویی و اتحاد دولت ها با ملت ها باعث می شود که بطور قابل ملاحظه ای در اهداف جمعی کشور اتحاد بوجود آید و حرکت جمعی جهت دستیابی به اهداف ملی ایجاد شده و زمینه های توسعه اقتصادی در کشورها ظاهر شوند. این وضعیت زمانی بروز می یابد که هم از سوی دولت و هم از سوی ملت بر اهداف مشترکی تأکید شود. تنها از این طریق است که یک سیستم اجتماعی عقلانی در جامعه ایجاد می شود که تمامی افراد جامعه خود را مقید به مشارکت در تعاملات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می کنند.

واکاوی ادبیات نظری

بحث روابط و مناسبات دولت و مردم در قالب مباحث و نظریاتی همچون جامعه مدنی، حدود حکومت و حقوق ملت، حوزه های عمومی و خصوصی و... از چندین قرن پیش تا دهه های متأخر در سطح جهانی مطرح بوده است. گو اینکه شیوه پرداختن به این بحث ها در حوزه های مختلف، متفاوت و تابعی از سطح



آگاهی‌ها و ظهور و افول نظریه‌های مطرح و تأثیرگذار بوده است ولی در عین حال هیچ‌گاه از اهمیت و ابعاد آن کاسته نشده است.

براساس نظریات مرتبط، دیالکتیک دولت - ملت در این زمینه اشاره به رابطه متقابل و پیچیده بین دو عنصر دارد که این عناصر شامل دولت و ملت می‌باشد، رابطه این دو می‌تواند به اشکال متفاوتی همچون همسویی و یا تنش بایکدیگر باشد. بر همین اساس مطالعه فرآیندها و نیروهایی که رابطه متقابل دولت و ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین پیامدهای چنین رابطه‌هایی، ضرورت دارد. (Trimikliniotis, 2000: 2).

آنتونی پیک تغییر شکل حکومت‌ها از امپراطوری به دولت - ملت‌ها را زمینه‌ای مناسب برای تغییر در روابط و مناسبات دولت و ملت قلمداد می‌کند. براساس نظر آنتونی پیک، این تغییر ابتدا در کشورهای غربی و سپس در دوره‌های بعدی به سایر مناطق جهان گسترش یافت (Pick, 2011). بر همین اساس توجه به نظریات دولت‌سازی^۱ و ملت‌سازی^۲ در این زمینه از اهمیت برخوردار است، چرا که آنچه که پروژه دولت - ملت‌سازی را به تعویق می‌اندازد، همانا پیدایش شکاف^۳ و از میان رفتن همسویی بین دولت و ملت است. چه بسا در بسیاری از کشورها دولت همچنان نتوانسته رابطه دوسویی با ملت برقرار کند (Bogdandy, 2005: 280; Trimikliniotis, 2000).

^۱. State-Building

^۲. Nation-Building

^۳. Cleavage

عدم انطباق دولت و ملت عامل اصلی و مستقیم تعارضات داخلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است، چرا که جماعت‌های رقیب بر سر تعیین و توزیع قدرت با یکدیگر به کشمکش می‌پردازند، همین موضوع یکی از دلایلی است که منجر به درگیری‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در این کشورها می‌شود (Teichova & Matis, 2003: 33). این شرایط خود افزایش هزینه‌های نظامی، مهاجرت نیروی انسانی و در نهایت به تعویق افتادن توسعه اقتصادی در جوامع را بدنبال دارد.

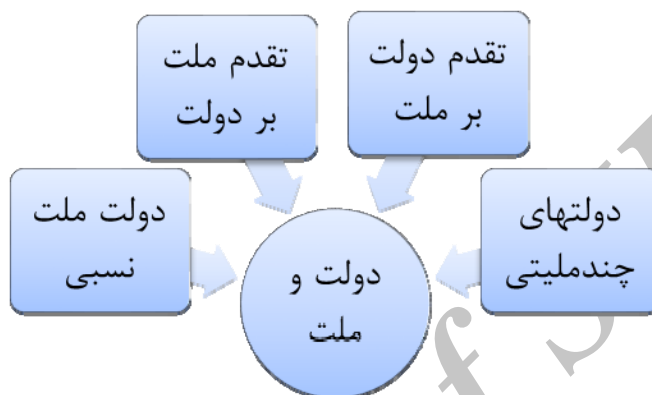
همچنین اینکه فقدان ثبات سیاسی، نبود امنیت فکری، برخوردهای نامناسب با صاحبان فکر و اندیشه، نداشتن آزادی و در نهایت عدم وجود همسویی بین دولت و ملت را می‌توان از علل اساسی و مهم مهاجرت و مخصوصاً فرار مغزها به شمار آورد (کلانتری، ۱۳۸۴: ۱۹۷). از آنجایی که سرمایه انسانی و بخصوص سرمایه انسانی ماهر جزء جدایی‌ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است، مهاجرت سرمایه انسانی ماهر موجب می‌شود که اقتصاد کشورهای در حال توسعه به پایین‌تر از سطح حداقل مورد نیاز سرمایه انسانی ماهر تنزل نماید و با ایجاد خلأ نیروی انسانی ماهر در کشور سبب کاهش تولید شود و در نهایت برنامه‌های توسعه را به مخاطره می‌افکند (Abdolahi, 1979: 6).

بررسی‌های تاریخی روند شکل‌گیری دولت - ملت در جوامع غربی حاکی از آن است که ابتدا دولت‌های خودکامه شکل گرفتند و فاصله زیادی بین دولت و مردم در جوامع وجود داشت، سپس در طول زمان ملت‌ها نیز قدرت یافتند و بواسطه انقلاب‌های دموکراتیک بود که قدرت به ملت‌ها رسید و این شکاف از بین رفت. در طول زمان بود که جستجو برای رسیدن به حکومت‌های ملی عامل



اساسی پیوند بین دولت و ملت گردید و وجود یکی را منوط به وجود دیگری گردانید (گیبونا، ۱۳۷۸: ۸۲).

اما طبق نظر بوزان رابطه دولت و ملت را در چهار نوع می‌توان تقسیم‌بندی نمود، به‌گونه‌ای که تمامی جوامع مدرن به لحاظ رابطه بین دولت و ملت در یکی از این چهار عنوان قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۷۹: ۹۷):



نمودار شماره (۱): مدل رابطه دولت و ملت

از رهگذر این نظریه می‌توان سه رابطه کلی را بین دولت و ملت از یکدیگر جدا نمود، یکی رابطه‌ای است که در آن دولت بر ملت اولویت داشته و ملت در مقابل دولت قدرت چندانی ندارد، این گونه نظام‌ها بیشتر در جوامعی وجود دارد که در آنها حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری‌ها حاکم هستند، دوم، رابطه‌ای است که می‌توان آن را رابطه دوسویه دانست، یعنی رابطه‌ای که در آن

دولت خود را مسئول رسیدگی به امور کشور، نظم‌دهی به جامعه و به نوعی خدمتگذاری به ملت می‌داند و در مقابل ملت نیز، حقوق و تکالیفی برای خود در قبال دولت قائل بوده، که این حقوق و تکالیف براساس قانون حاکم در جامعه ردوبدل می‌شود و در نهایت اینکه دولت و ملت دارای رابطه تقابلی با یکدیگر بوده و این دو دائماً با یکدیگر دارای تضاد و تنش می‌باشند، که این نوع رابطه بیشتر در کشورهای توسعه نیافته و غیر دموکراتیک دیده می‌شود.

تحلیل و بررسی دولت - ملت‌ها نشان می‌دهد که می‌توان چهار عنصر بنیادی برای دولت - ملت‌ها در نظر گرفت، که این چهار عنصر عبارتند از مردم، سرزمین، حاکمیت و حکومت. مردم به عنون بنیادی‌ترین پایه و اساس دولت - ملت‌ها در نظر گرفته می‌شوند، که در گذشته کمیّت آن برای دولت‌ها از اهمیت والایی برخوردار بود، اما امروزه کیفیت آن بیشتر از کمیّت دارای اهمیت است، که این کیفیت در برگیرنده هماهنگی و یکپارچگی ملّی جوامع می‌باشد. یکی دیگر از عناصر سازمانی دولت - ملت‌ها همانا وجود قلمرو سرزمینی می‌باشد و امروزه دولت - ملت‌ها با سرزمین مشخصی شناخته می‌شوند و عنصر دیگر حاکمیت است که یکی مهم‌ترین مشخصه‌های دولت ملّی مدرن به شمار می‌آید (عالم، ۱۳۸۵). در این راستا می‌توان دو نوع حاکمیت را از یکدیگر جدا کرد، یکی حاکمیت مطلقه و وحدت‌گرایانه، این برداشت از مفهوم حاکمیت توسط متفکرینی همچون بدن، ماکیاولی، هابز، آستین و ... مطرح شد. از این منظر حاکمیت ماهیتاً قدرتی قانونگذار تلقی می‌شد و اساسی‌ترین و مهمترین نشانه حاکمیت، همان قدرت وضع قانون بود (وینسنت، ۱۳۷۶: ۸۷). در مقابل حاکمیت عمومی و کثرت‌گرایانه قرار دارد، حاکمیت عمومی مبتنی بر حاکمیت اراده عمومی مردم است که در دولت مدرن زندگی می‌کنند و از آن تحت عنوان



ملت یاد می‌شود. نظریه حاکمیت عمومی با رشد دموکراسی طی قرن ۱۹ و علی‌الخصوص قرن ۲۰ تکانه بیشتری یافت و به عنوان بنیاد منطقی حکومت دموکراتیک نو پذیرفته شد. به نحوی که امروزه، دولت‌هایی که حق حاکمیت عمومی را رعایت نکنند، دولت‌هایی نامشروع تلقی شده و از گردونه دولت ملی مدرن که صفت دموکراتیک را یدک می‌کشد، خارج می‌شوند. در نهایت عنصر حکومت است به گونه‌ای که هیچ دولتی بدون حکومت نمی‌تواند وجود داشته باشد. هارولد لاسکی معتقد است: "حکومت همان دولت و دولت همان حکومت است" (عالم، ۱۳۸۵: ۱۳۴). هرچند می‌توان مدعی بود که حکومت‌ها به لحاظ تاریخی قبل از دولت وجود داشته است و هیچ اجتماع متمدنی بدون حکومت وجود ندارد.

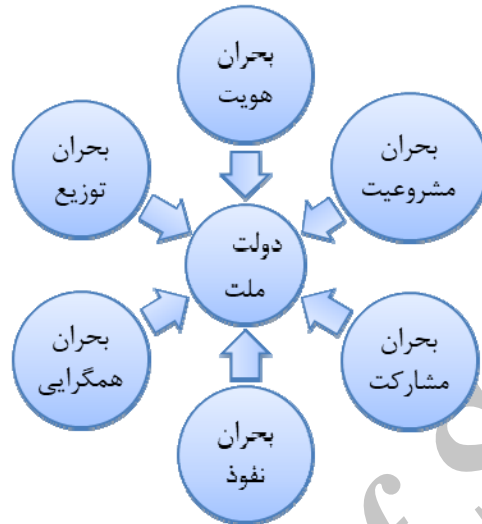
بررسی روند شکل‌گیری دولت - ملت‌ها در جوامع غربی و پیگیری آن در سایر جوامع در نقاط دیگر جهان نشان می‌دهد، دولت - ملت‌های کلاسیک که بیشتر در جوامع غربی همچون انگلستان و فرانسه تمامی ویژگی‌های یک دولت - ملت را دارا هستند، اما در مقابل و دسته دوم دولت - ملت‌هایی هستند که می‌توان عنوان دولت - ملت نارس را به آنها اختصاص داد، چرا که بسیاری از این دولت - ملت‌ها دولت دارند ولی ملت‌هایشان هنوز بصورت کامل تکوین نیافته است و هنوز یک احساس تعلق و یکپارچگی در جامعه دیده نمی‌شود. این گونه دولت - ملت‌های نارس بیشتر در کشورها توسعه‌نیافته‌ای همچون عراق و افغانستان دیده می‌شود.

آنچنانکه لوسین پای صاحب‌نظر برجسته نوسازی بیان می‌کند این دولت - ملت های نارس می‌بایست برای رسیدن به نقطه مطلوب بحران‌های همچون بحران



همسویی دولت و ملت و تأثیر آن بر ... ۲۰۵

هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران توزیع و بحران همگرایی را با موفقیت پشت سر گذارند (قوام، ۱۳۷۹: ۱۷).



نمودار شماره (۲): دولت - ملت ها و انواع بحران های پیش رو

بحران هویت مهم ترین بحرانی بود که در جوامع غربی ظهور کرد، بحران هویت، بحرانی بود که در وحدت ملی جوامع بوجود آمد که می بایست در پی آن هر نوع هویتی اعم از فراملی و مادون ملی در هویت ملی ذوب شود تا این بحران پشت سر گذاشته شود. بحران مشروعیت نیز بحرانی بود که در حقانیت حکومت برای اعمال اقتدار نزد باور عمومی بوجود آمد، بسیاری از انقلاب های دموکراتیک را می توان انعکاس بحران مشروعیت قلمداد نمود. بحران مشارکت ناشی از این دغدغه بود که دولت به عنوان مظهر حاکمیت نماینده چه طبقه ای



سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

است؟ بحران نفوذ، بحرانی است که در اواخر قرن ۱۹ بیستم شکل گرفت و آن را ناشی از اعتراض به عدم کارآمدی و ناتوانی دولت مدرن برای عرضه خدمات عمومی بود. بحران توزیع نیز بحرانی است که به حیطه اقتصاد و نحوه عملکرد آن بازمی‌گردد، در نهایت بحران همگرایی است، که به اتحاد ملی و همسویی دولت و ملت اشاره دارد، این نوع بحران پیامدی همچون، انشقاق و شکاف در جامعه و بدنال آن عقبافتادگی اقتصادی را بدنال دارد (Bill & Hardgrave, 1981).

براساس نظریات دولت - ملت، عدم انطباق و همسویی دولت و ملت عامل اصلی و مستقیم تعارضات داخلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است، چرا که جماعت‌های رقیب بر سر تعیین و توزیع قدرت با یکدیگر به کشمکش می‌پردازند. همچنین این مسأله مشوق ظهور حکومت‌های اقتدارگرا شده است. این در حالیست که در تعدادی از کشورهای جهان به رغم وجود مشارکت سیاسی توده‌وار، فاقد نهادهای مدنی واسط برای استمرار حضور مردم در صحنه سیاسی‌اند. در این جوامع رأی مردم تقریباً نادیده گرفته می‌شود و گردش نخبگان نیز بسیار محدود و در سطوح بالای اجتماعی صورت می‌پذیرد. احزاب یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حیات سیاسی جوامع بشری قلمداد می‌شوند که می‌توانند در این زمینه نقش بسزایی را ایفا کنند. بدین ترتیب احزاب سیاسی برای جوامع مدرن ضروری بشمار می‌روند، زیرا عمده‌ترین نهاد برای برخورد با تضادهای موجود در این جوامع به حساب می‌آیند (نوذری، ۱۳۸۱: ۵۵).

بروز چنین شرایطی در یک جامعه در طولانی مدت و حتی گاهاً کوتاه مدت سبب ظهور بی‌ثباتی سیاسی در جوامع می‌گردد، بی‌ثباتی سیاسی را به عنوان وضعیت‌ها، فعالیت‌ها یا الگوهایی از رفتارسیاسی تعریف می‌کنیم که یک

حکومت یا نظام سیاسی را به شکل غیررسمی، تهدید به تغییر می‌کند یا واقعاً تغییر می‌دهد. بی‌ثباتی سیاسی همچنین عدم قطعیت و تردیدی را در تداوم نظام و یا حکومت بوجود می‌آورد، که بر روی اقتدار و کارآمدی نظام یا حکومت تأثیر می‌گذارد (Brempong & Traynor, 1996). بی‌ثباتی سیاسی از طرفی ممکن است زمینه‌ساز خروج سرمایه‌های اقتصادی و همچنین اجتماعی (نخبگان) داخلی گردد و از طرف دیگر کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در جامعه را موجب شود. البته بوجود آمدن چنین شرایطی، از آنجایی که سبب بالا رفتن هزینه‌های نظامی کشور می‌گردد، لذا توسعه اقتصادی جوامع را بشدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

البته نمی‌بایست غافل شد که علل متفاوتی بر مهاجرت نخبگان از یک کشور به کشور دیگر و همچنین خروج سرمایه‌ها از کشور تأثیر می‌گذارد که می‌توان این علل را در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود. در این زمینه می‌توان به رابطه دولت و ملت اشاره کرد. در واقع یکی از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت نخبگان همانا به شرایط حاکم بر یک جامعه و نحوه تعامل و ارتباط دولت و ملت بستگی دارد.

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین و همچنین قدیمی‌ترین ابعاد توسعه محسوب می‌شود. بر همین اساس از گذشته‌های دور همواره مورد توجه نظریه‌پردازان و اندیشمندان اجتماعی بوده است (Marshal, 1930: 233). اما با مرور ادبیات توسعه اقتصادی همواره مشاهده می‌شود که یک خلأ نظری در این حیطه پیرامون ریشه‌های اجتماعی و سیاسی توسعه اقتصادی مشاهده می‌شود. مطمئناً توسعه اقتصادی بیشتر در جوامعی ظاهر می‌شود که به لحاظ اجتماعی و سیاسی دارای وضعیت منسجم و بدور از



کشمکش و تعارضی باشد، چراکه یکی مشخصه‌های بارز جوامع توسعه‌نیافته امروزی تضاد و شکاف بین دولت و ملت می‌باشد، که این خود زمینه همکاری دولت و ملت را از بین برده و سبب بروز جامعه‌ای پراکنده و چندگانه می‌گردد (Mayer, 2011: 162).

براساس تفاسیری که در قسمت‌های قبلی از پدیده ملت ارائه گردید، می‌توان گفت داشتن حکومت ملی و یا جستجو برای ایجاد آن، عامل اساسی پیوند بین ملت مدرن و دولت مدرن است. در قسمت نظریات، در ابتدای امر نظریات مربوط به منشأ شکل‌گیری ملت مورد بررسی قرار گرفتند، براین اساس نظریات در سه دسته کلی و جداگانه، یعنی نظریات دیرینه‌گرایی، نظریات مدرنیسم و نظریات نمادگرایی قومی، گنجانده شدند.

دیرینه‌گرایان کسانی هستند که ملت‌ها را پدیده‌هایی تاریخی می‌دانند، پدیده‌هایی در طی قرون متمادی در گذشته‌های دور شکل گرفته‌اند. در این زمینه می‌توان به نظریه‌پردازانی همچون والکر کانر، شلایر ماخر و هررد اشاره کرد. شلایر ماخر و هررد هر دو به طبیعی بودن پدیده ملت تأکید داشتند و ملت‌ها را در امتداد روابط فامیلی و پیوندهای خویشاوندی قرار می‌داند. (Herder, 1969: 58 & Kedourie, 1986: 324). از نظر کانر نیز ملت آشکارا در بردارنده پیوندهای خویشاوندی و قومیتی می‌باشد، بواقع از نظر کانر و همفکرانش ملت را می‌توان یک خانواده بسط‌یافته قلمداد کرد (Puri, 2004: 186).

در رهیافت مدرنیستی نیز تأکید بر جدید بودن پدیده ملت می‌باشد. مدرنیست‌ها ملت را پدیده‌ای ابداع شده در جوامع اروپایی می‌دانند، در بین نظریه‌پردازان، اندرسون، گلنر، گرینفلد، نیرن و چارلز تیلی در چارچوب این رهیافت قرار می‌گیرند. اندرسون ملت را پدیده‌ای قلمداد می‌کند که همزمان با پیدایش



بورژوازی در غرب پدید آمده است (Anderson, 1983: 17). گلنر نیز ملت را با ملیت‌گرایی پیوند می‌زد و ملت را زائیده ملیت‌گرای می‌داند، وی صنعتی شدن را زمینه‌ای برای پیدایش ایده ملت در نظر می‌گیرد که یکی پیامدهای آن همگون سازی فرهنگی و شکی‌گیری یک اتحاد ملی در درون جامعه است (اوزکریملی، ۱۳۸۳). همچنین گرینفلد، عامل اصلی در شکل‌گیری هویت ملی و ملت را تفاوت‌های منزلتی عمودی می‌داند. گرینفلد در خصوص عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری اجتماع ملی و همسویی دولت و ملت به عواملی همچون احساس کینه‌توزی و غرض و نقش نخبگان اشاره می‌کند، که همگی می‌توانند باعث گسترش افکار ملی‌گرایانه در جامعه گردند (گرینفلد، ۱۳۸۷). تام نیرن هم بیشتر نابرابری‌های موجود بین کشورها، توسعه نامتوازن بین آنها و تمایز کشورهای مرکز و پیرامون را عاملی برای ظهور اتحاد و انسجام ملی مورد توجه قرار می‌دهد. البته لازم به ذکر است که در نظریه نیرن نیز نخبگان هر کشوری نقش اساسی را بر عهده دارند، که نقش حیاتی در بسیج توده‌ها بازی می‌کنند (Puri, 2004).

رهیافت نمادگرایی قومی نیز به عنوان راه میانه‌ای بین دو رهیافت دیرینه‌گرایی و مدرنیسم قرار دارد. در این رهیافت، اصل مدرن و ابداعی بودن ملت انکار شده و در عین حال اصول مورد پذیرش دیرینه‌گرایان رد می‌شود. در این رهیافت بیشتر بر پیوند بین قومیت و ملت تأکید می‌گردد، این رویکرد در آثار افرادی همچون جان آرمسترانگ و انتونی اسمیت بخوبی مورد پردازش قرار گرفته است. هدف کلی آرمسترانگ این است که به بررسی هویت گروهی در جامعه بپردازد. فرض اساسی آرمسترانگ این است که هویت‌های قومی در طول زمان پایدار می‌مانند و چهار عامل زبان، دین، شهر و شیوه‌های متفاوت



زندگی، باعث بوجود آمدن هویت ملی و نوعی انسجام در جوامع مدرن قلمداد می‌شوند. همچنین اسمیت هم به عنوان برجسته‌ترین نظریه‌پرداز این رهیافت ملت را محصول اقوام کهن می‌داند و تقدم دولت بر ملت را مورد تأکید قرار می‌دهد. اسمیت مدعی است که در فرآیند گذار از پیوندهای سنتی قومیت به ملت، دولت‌ها نقش اساسی را ایفا می‌کنند. از نظرگاه اسمیت هویت جمعی در یک جامعه بر حسب ارزش‌ها، هنجارها، خاطرات و نمادهای مشترک همان جامعه شکل می‌گیرد (Smith, 2000).

لازم به ذکر است که یکی از ریشه‌های ظهور شکاف بین دولت و ملت، همان حاکم بودن تفکر قومیتی در جوامع می‌باشد. در جوامع چند قومیتی معمولاً برخی از قومیت‌ها دولت را در مقابل خود قرار می‌دهند و به تنازع با آن می‌پردازند. در این زمینه افرادی همچون رابرت گور و دیوید میلر به بررسی اقلیت‌های قومی و ریشه‌ها و پیامدهای آن در جوامع می‌پردازند.

رابرت گور معتقد است که در جوامع چندقومیتی که نگرش‌های نظری رقیب و محرومیت نسبی وجود دارد، تضاد بین قومیت‌ها شکل می‌گیرد و این خود به رابطه قومیت‌ها و دولت تأثیر بسزایی می‌گذارد. گور مدعی است که این روند نیز همچنین می‌تواند زمینه‌ساز بروز نارضایتی، شورش و اعتراض در درون جوامع گردد (Gurr, 1993). همچنین دیوید میلر معتقد است که در تمامی جوامع مدرن میزانی از عدم تجانس قومیتی وجود دارد، اما آنچه مهم است، دستیابی به وحدت و انسجام ملی می‌باشد. بواقع از نظر میلر اگر در جامعه‌ای قومیت و ملیت در تضاد باشند، دستیابی به همگرایی و همسویی با دشواری روبرو می‌شود (میلر، ۱۳۸۳).

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد عدم انطباق دولت و ملت عامل اصلی و مستقیم تعارضات و کشمکش‌های داخلی در بسیاری از کشورها، بخصوص کشورهای درحال توسعه می‌باشد. در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته که فاقد نهادهای مدنی و احزاب کارا هستند، نارضایتی‌ها در درون جامعه به اعتراض و شورش و بدنبال آن سبب بروز بی‌ثباتی سیاسی می‌گردد (ریبعی، ۱۳۸۶).

یکی از راه‌حل‌هایی که همواره بسیاری از نظریه‌پردازان بر آن تأکید می‌کنند، احزاب سیاسی هستند، البته سودمند بودن احزاب در جوامع سیاسی مختلف موافقان و مخالفان زیادی دارد، اما لازم است توجه شود که احزاب همواره این توانایی را دارا هستند که شکاف موجود میان دولت و ملت را پر کنند. احزاب می‌توانند نماینده، طبقات اجتماعی، گروه‌های مذهبی، جماعات زبانی یا منافع خاص دیگری باشند (نوذری، ۱۳۸۱).

فقدان ثبات سیاسی و شرایط نابه‌سامان داخلی و عدم همسویی بین دولت و ملت، همگی می‌توانند زمینه‌ساز افزایش گرایش به مهاجرت در بین مردم شود، لازم به ذکر است که این پدیده در بین نخبگان از اهمیت بیشتری برخوردار است (Abdolahi، 1979). بنابراین می‌توان ادعان کرد که رابطه بین دولت و ملت و امنیت و ثبات سیاسی در هر کشوری می‌تواند بواسطه افزایش یا کاهش میزان مهاجرت نیروی انسانی، توسعه اقتصادی همان کشور را تحت تأثیر خود قرار دهد.

در مجموع عدم انطباق دولت و ملت عامل اصلی و مستقیم تعارضات داخلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است، چرا که جماعات‌های رقیب بر سر تعیین و توزیع قدرت با یکدیگر به کشمکش می‌پردازند، همین موضوع یکی از دلایلی است که منجر درگیری‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در این



کشورها می شود. (33: Teichova & Matis, 2003) این شرایط خود افزایش هزینه های نظامی، مهاجرت نیروی انسانی و درنهایت به تعویق افتادن توسعه اقتصادی در جوامع را بدنبال دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق تطبیقی یکی از ابزارهای بنیادی تحلیل است، که به ما امکان توصیف غنی و مفهوم سازی بهتر را از طریق مقایسه شباهت‌ها و تفاوت های موارد را می‌دهد (1: Collier, 1993). تحقیق حاضر نیز مبتنی بر روش طولی - تطبیقی کمی است، تأکید این نوع روش بر ویژگی‌های عام اجتماعی که در قالب متغیرها بیان می‌شوند و تأکید بر آزمون فرضیه به جای استفاده از نظریات برای شناخت موارد در بستر تاریخ است.

داده‌ها ثانویه هستند که از منابع مختلف همچون "پیمایش جهانی ارزش ها"، "گروه داده های توسعه ای بانک جهانی" جمع آوری شده‌اند. داده‌های طولی اجازه می‌دهند تا اثر تأخیری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در خلال زمان به حساب آیند.

دوره زمانی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ میلادی می‌باشد، این دوره زمانی ۱۵ ساله که سال های پایانی قرن بیستم و آغاز هزاره جدید جهانی را در بر می گیرد به سه گام زمانی ۵ ساله (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴) تقسیم گردیده است. علاوه براین سعی شده در مواردی علاوه بر سه گام مورد نظر، کل دوره ۱۵ ساله نیز مورد تحلیل قرار گیرد تا هم مقایسه‌ای با گام‌های زمانی صورت گرفته و هم مطالعه‌ای مقطعی به موازات مطالعه طولی انجام شده

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

باشد. همچنین برای هر دوره زمانی، میانگین متغیر در آن دوره زمانی مورد تحلیل قرار گرفته است.

واحد تحلیل در این پژوهش، کشور یا همان نظام اجتماعی کل (و به عبارت دیگر دولت-ملت) است. لذا نمونه مورد مطالعه تمامی ملت‌های دنیاست که دارای جمعیت یک میلیون نفر و دارای شرایط ایجاد دولت-ملت باشند. البته لازم به ذکر است که این تحقیق تمام کشورهایی را که اطلاعات آن‌ها موجود بوده و جمعیت قابل اعتنایی دارا هستند را مورد مطالعه قرار داده است. لذا تمام ملت‌هایی که دارای جمعیت زیر یک میلیون نفر بودند، به دلیل عدم دارا بودن شرایط دولت-ملت از مطالعه خارج شدند، لذا در نهایت ۱۴۴ کشور به عنوان نمونه تحقیق انتخاب و داده‌ها آنان تجمیع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

متغیرها و سنجه‌ها:

همسویی دولت و ملت: در بررسی معنای لغوی همسویی دولت و ملت باید گفت که در نقطه مقابل اصطلاح "شکاف" قرار دارد، شکاف یک تقسیم‌بندی و فاصله عمیق بین دولت و ملت براساس نوعی درگیری است (Bornschieer, 2009). در سنجش این متغیر سعی شده تا تمامی ابعاد مسأله اعم از ابعاد نظری و تجربی دیده شوند، بر همین اساس از شاخص‌های مختلفی در این زمینه استفاده گردید. با تکیه بر نظریه‌های مرتبط در نهایت هفت متغیر به عنوان معرف‌های همسویی دولت و ملت در یک جامعه در نظر گرفته شدند، که این متغیرها عبارتند از: میزان اعتراض، شورش (مجموعه داده‌های MAR^۱ و



^۱ . Minority At Risk

مجموعه داده‌های مجموعه^۱ (WVS)، انسجام اجتماعی - سیاسی (مجموعه داده‌های^۲ BTI)، شکاف سیاسی (مجموعه داده‌های^۳ QOG)، وفاق و اجماع (مجموعه داده‌های^۴ BTI)، تضاد نظامی درون دولتی (مجموعه داده‌های^۵ UCDP) و میزان زندانیان سیاسی (مجموعه داده‌های^۶ CIRI) که مبتنی بر داده‌های سازمان عفو بین‌الملل می‌باشند). در ادامه یک به یک متغیرهای استفاده شده در این شاخص به تفصیل توضیح داده شده است.

توسعه اقتصادی: در تشریح اجزای شاخص توسعه اقتصادی نیز باید گفت که از سه متغیر تشکیل شده است: تولید ناخالص داخلی تعدیل شده^۷، نرخ سرانه مصرف انرژی^۸، و ارزش افزوده صنعتی^۹. مجموعه داده‌های^{۱۰} WDI که در پایگاه بانک جهانی داده^{۱۱} ارائه شده، منبع نهایی دریافت این اطلاعات بوده است.

بی‌ثباتی سیاسی: بی‌ثباتی سیاسی موضوعی کثیرالابعاد است. برخی صاحب‌نظران آن را صرفاً شامل تغییر نظام سیاسی می‌دانند و برخی دیگر حتی تهدیدهایی که یک نظام سیاسی با آن‌ها مواجه است را نیز در زمره مصادیق مفهوم بی‌ثباتی سیاسی می‌دانند. در این تحقیق تلاش شده تا حد امکان، عموم

¹ . World View Survey

^۲ Transformation Index . Bertelsmann

3. Quality Of Government

4. Bertelsmann Transformation Index

5. Uppsala Conflict Data Program

6. CIINGRANELLI--RIICHARDS

7. GDP per capita, PPP (current international \$)

8. Energy use (kg of oil equivalent per capita

9. Industry, value added (% of GDP)

10. World Development Indicators

11. World Data Bank

این مصادیق اصلی که داده‌های معتبر بین‌المللی مربوط به آن‌ها نیز موجود باشد، در بررسی‌های تجربی لحاظ گردد. بر اساس تعریف نهایی، بی‌ثباتی سیاسی هرگونه شرایطی تعریف می‌شود که یا حفظ و استمرار اجزای نظام سیاسی، اعم از نهادهای سیاسی و هیأت حاکمه و کل رژیم سیاسی، را با تهدید جدی روبرو می‌کند و یا بواقع آن را دچار تحول می‌نماید. این شرایط می‌تواند شامل طیف وسیعی از وقایع و زمینه‌ها از تظاهرات تا کودتا و انقلاب باشد.

در نهایت پس از بررسی جوانب مختلف مفهوم ثبات سیاسی از پنج شاخص کلی به عنوان معرف‌های نهایی بی‌ثباتی سیاسی استفاده شد که این معرف‌ها عبارتند از: قتل و کشتار سیاسی (مجموعه داده‌های PITF)، شکست اقتدار حاکمیت (مجموعه داده‌های PITF^۱)، وسعت جغرافیایی بی‌ثباتی (مجموعه داده‌های PITF)، طول دوران حاکمیت (مجموعه کلی داده‌های Polity IV و از مجموعه اطلاعات Political Regime Characteristics and Transitions) و در نهایت کودتا (مجموعه داده‌های COUP D'ÉTAT EVENT).

توسعه سیاسی: در معنای محدود کلمه فردیت یا فردگرایی نهادی شده ناظر به فرآیند توسعه سیاسی است. طی این فرآیند هویت فردی به تدریج از هویت جمعی جدا می‌شود و با این جدایی مفهوم شخصیت فردی مطرح می‌شود و بدنبال آن مفاهیمی نظیر استقلال فردی، حقوق انسانی، حقوق شهروندی، برابری در قانون، قرارداد و غیره نیز مطرح می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که



سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

1. Political Instability Task Force

اصل سیاسی پذیرفته شده در این مفهوم، برابری اعضای جامعه است (چلی، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

در این مطالعه برای توسعه سیاسی دو بعد منظور شد: ۱. فرصت برابر برای دسترسی به مواضع سیاسی و اداری بالا (برای سنجش این بعد از داده‌های Polity IV استفاده شد). ۲. دموکراسی که برای این بعد دو شاخص منظور شد، یکی حقوق سیاسی و دیگری آزادی مدنی.

سرمایه گذاری خارجی: یکی از متغیرهای اصلی که در واقع از جمله حلقه‌های اتصال همسویی دولت و ملت به توسعه اقتصادی است، میزان تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در یک کشور می‌باشد. به این ترتیب که داده‌های مربوطه از بانک جهانی داده گردآوری شد که ارزش مالی سرمایه‌گذاری خارجی انجام گرفته در یک کشور را نسبت به کل GDP آن کشور در همان سال و یا دوره زمانی نشان می‌دهد.

فرار سرمایه^۱: یکی از متغیرهایی مورد سنجش قرار گرفت که از طرفی با افزایش التهابات و ناآرامی‌های سیاسی، شدت می‌گیرد و از سوی دیگر خود به عنوان عاملی قابل توجه بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. در این تحقیق به منظور سنجش این متغیر از نرخ خروج سرمایه استفاده شد که با همین نام در پایگاه داده‌های بانک جهانی در دسترس قرار دارد.

مهاجرت: یکی دیگر از پیامدهای یک شرایط بی‌ثبات و غیر همسو، براساس آنچه در دو بخش مربوط به ادبیات موضوع و چارچوب نظری بیان شد، مهاجرت جمعیت کشور بی‌ثبات به خارج از مرزهاست. در اینجا نیز این



1. Capital Flight

موضوع به صورت تجربی مورد بررسی قرار گرفته و برای سنجش آن از نرخ سالانه مهاجرت کشورها استفاده شده است. در این زمینه از پایگاه داده‌های بانک جهانی استفاده شده است.

فرار نخبگان: مقصود از نیروی آموزش دیده در این تحقیق جمعیتی است که دست کم سه مقطع، تحصیل رسمی داشته‌اند. اطلاعات مورد استفاده برای سنجش شرایط کشورهای مختلف در ۱۵ سال مورد نظر این تحقیق، از پایگاه داده‌های بانک جهانی اطلاعات دریافت و بررسی شد که این پایگاه، اطلاعات مربوط به مهاجرت افراد آموزش دیده را به صورت میانگین دوره‌های ۵ ساله ارائه می‌نماید.

نوع حاکمیت سیاسی: مجموعه داده‌های Polity با بررسی شرایط کشورهای مختلف و نظام سیاسی آن‌ها، ارزیابی خود را در قالب دو شاخص ارائه می‌نماید: یکی میزان دموکراسی نهادینه شده و دیگری میزان استبداد نهادینه شده. در کنار این دو نمره، یک شاخص ترکیبی نیز تدوین شده که در واقع حاصل تفریق نمره استبداد کشورها از نمره دموکراسی آن‌هاست. به این ترتیب یک مقیاس بین ۱۰+ (شدیداً دموکراتیک) تا ۱۰- (شدیداً استبدادی) بدست آمده که تا حدود زیادی نشان‌دهنده شرایط و نوع رژیم سیاسی کشورهاست.

درجه دموکراسی: شاخصی صد نمره‌ای که در آن کشورها براساس میزان دموکراتیک بودن به هرکدام از کشورها از صفر تا ۱۰۰ نمره‌ای اختصاص داده شده است. به میزانی که در یک کشور سازوکارهای دموکراسی فراهم باشد آن کشور نمره بالاتری دریافت می‌کند و در نقطه مقابل کشورهایی که از این روند دور باشند نمره پایین‌تری دریافت می‌کنند.



نتایج و یافته‌ها

در این قسمت تلاش شد تا در ابتدا متغیرهای اساسی تحقیق به تفکیک مناطق جغرافیایی توصیف شده و سپس روابط دو متغیری و چند متغیری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. تشریح و توصیف ضرایب همبستگی دومتغیره و نیز تحلیل رگرسیون دومتغیره، یکی دیگر از مطالبی است که در این بخش از نوشتار به آن پرداخته خواهد شد. همچنین روابط چند متغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته نیز از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز با استفاده از تحلیل مسیر، تلاش می‌شود تا مدل تحلیلی مورد نظر در این تحقیق به آزمون کشیده شود.

همان‌طور که در جدول مشاهده میانگین هرکدام از معرف‌ها به تفکیک مناطق جغرافیایی ارائه شده است. براساس آنچه در جدول آمده میانگین کل تولید ناخالص داخلی برابر ۱۳۰۰۹,۶۹ و در بین مناطق جغرافیایی بیشترین میزان متعلق به کشورهای اسکانندیناوی و همچنین کشورهای اروپای غربی است و کمترین میزان متعلق به کشورهای آفریقایی می‌باشد. میانگین کل نرخ ارزش افزوده صنعتی برابر ۲۹,۵۴ و همچنین میانگین کل نرخ سرانه مصرف انرژی نیز برابر ۳۰۱۰,۶۶ می‌باشد.

جدول شماره (۱): میانگین معرف‌های توسعه اقتصادی برحسب مناطق

جغرافیایی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ میلادی

میانگین نرخ سرانه مصرف انرژی	میانگین نرخ ارزش افزوده صنعتی (از GDP)	میانگین تولید ناخالص داخلی	متغیر تقسیم‌بندی منطقه‌ای
------------------------------	----------------------------------------	----------------------------	---------------------------

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

۳۳۲۲.۸۲	۲۶.۰۱	۲۲۳۴۹.۹۵	اروپای غربی
۲۳۵۹.۷۲	۳۲.۵۷	۷۷۴۹.۵۸	اروپای شرقی
۵۲۵۵.۴۱	۲۴.۳۵	۱۶۴۷۲.۳۳	آمریکای شمالی
۱۱۰۲.۸۳	۲۸.۶۹	۶۹۵۲.۷۳	آمریکای جنوبی
۵۷۸۶.۷۳	۳۰.۱۳	۲۵۸۶۳.۵۴	کشورهای اسکاندیناوی
۱۶۰۲.۱۳	۲۸.۶۱	۷۱۳۱.۹۴	آسیا و اقیانوسیه
۳۹۹۸.۶۰	۳۸.۲۹	۱۵۰۴۵.۵۳	خاورمیانه
۶۵۷.۰۴	۲۷.۴۰	۲۵۱۱.۹۸	کشورهای آفریقایی

در خصوص متغیر مستقل تحقیق، یعنی همسویی دولت و ملت، ابعاد شش‌گانه این متغیر به صورت جداگانه در سه دوره زمانی پنج‌ساله توصیف و تحلیل شده‌اند که در اینجا به اختصار به آن‌ها اشاره‌ای خواهد شد.

بررسی وضعیت شورش و اعتراض در کشورهای مختلف نشان داد که میانگین آن‌ها در دوره‌های پنج‌ساله در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه اقتصادی همچون کشورهای آفریقایی و آسیایی به نسبت بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته اروپای غربی و آمریکای شمالی می‌باشد. به طور مثال میانگین شورش‌های صورت گرفته بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ میلادی در کشورهای اروپای غربی برابر ۱٫۹۱ بوده و این در حالیست که این میزان در بین کشورهای آسیا و اقیانوسیه برابر ۱۶٫۶۵ می‌باشد.



میانگین متغیرهای وفاق و انسجام اجتماعی نیز حاکی از آن بود که میزان وفاق و انسجام اجتماعی در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای توسعه نیافته می باشد. متغیر وفاق از جمع شدن پنج معرف جداگانه تحت عنوان اجماع در اهداف، کنش های ضد دموکراتیک، مدیریت تضاد و شکاف، مشارکت مدنی و در نهایت مصالحه و آشتی ملی بوجود آمده است. کشورهای اسکانندیناوی و اروپای غربی به لحاظ وفاق و اجماع ملی در هر سه دوره زمانی نسبت به سایر کشورها از وضعیت بهتری برخوردار هستند، و کشورهای آمریکای شمالی در رتبه بعدی قرار دارند و در این میان کشورهای آسیایی و خاورمیانه از بدترین وضعیت نسبت به سایر کشورهای جهان برخوردارند.

متغیر انسجام اجتماعی نیز بواسطه معرف هایی همچون میزان انسجام و ثبات در بین احزاب، میزان انسجام بین گروه های ذینفع و همچنین وجود هنجارهای دموکراتیک در جامعه تشکیل شده است. لازم به ذکر است که اکثر کشورها در مناطق مختلف به لحاظ انسجام اجتماعی دارای روند روبه رشدی نسبت به دوره های زمانی پیشین هستند، اما در این بین کشورهای آسیایی و خاورمیانه و تا حدودی کشورهای آفریقایی نیز روندی نزولی را طی کرده و به طور کلی از میانگین کمتری نسبت به سایر مناطق جهان برخوردار هستند.

همبستگی متغیرهای درجه دموکراسی و نوع حکومت با همسویی دولت و ملت:

بر اساس تئوری های استفاده شده برای تبیین مسأله مشخص شد که متغیر همسویی دولت و ملت نیز خود تحت تأثیر دو عامل اساسی قرار دارد. درجه دموکراسی از جمله عواملی است که به نظر می رسد همسویی دولت و ملت در

همسویی دولت و ملت و تأثیر آن بر ... ۲۲۱

کشورها تحت تأثیر این عامل قرار گیرند. در این متغیر به تمامی کشورها رتبه‌ای بین ۰ تا ۱۰۰ اختصاص یافته است، که عدد ۱۰۰ نشان از استقرار کامل دموکراسی در یک کشور و عدد صفر نشان از استقرار حکومت‌های خودکامه و استبدادی در یک کشور دارد.

همچنین متغیر نوع حکومت متغیر دیگری بود که رابطه آن با متغیر همسویی دولت و ملت مورد بررسی قرار گرفت. در خصوص نوع حکومت از شاخص چیوب استفاده شد. طبق این شاخص تقسیم‌بندی‌های مختلفی از شکل حکومت در کشورهای مختلف ارائه شده است. در این متغیر نوع حکومت کشورها از دموکراسی پارلمانی تا حکومت‌های دیکتاتوری را شامل می‌شود.

جدول شماره (۲): همبستگی درجه دموکراسی و نوع حکومت با متغیر

همسویی دولت و ملت

همسویی دولت و ملت	متغیر وابسته متغیر مستقل
۰.۴۶۵*	درجه دموکراسی
۰.۰۲۰	معناداری
۱۳۶	N
۰.۵۷۰**	نوع حکومت
۰.۰۰۱	معناداری
۱۳۰	N



بهار ۱۳۹۶
سال سوم، شماره ۹

از آنجایی که هر دو متغیر درجه دموکراسی و نوع حکومت بصورت متغیرهای رتبه‌ای تدوین شده بودند، لذا از ضریب اسپیرمن برای بررسی رابطه متغیرها

استفاده شد. همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید متغیر درجه دموکراسی با متغیر همسویی دولت و ملت دارای رابطه معناداری می‌باشد. ضریب اسپیرمن برای دو متغیر درجه دموکراسی و همسویی دولت و ملت برابر با 0.4 می‌باشد که در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است.

همچنین متغیر نوع حکومت با متغیر همسویی دولت و ملت دارای رابطه معناداری می‌باشد که میزان برابر با 0.5 است.

متغیرهای واسطه‌ای و توسعه اقتصادی:

همان‌طور که در قسمت قبلی هم اشاره شد، در این قسمت تلاش خواهد شد تا تأثیر و همبستگی متغیرهای واسطه‌ای بر روی متغیر وابسته تحقیق، یعنی توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. در بررسی روابط دو متغیره مشخص گردید که رابطه تقریباً ضعیفی بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی وجود دارد، ضریب همبستگی بین این دو متغیر معادل ۰,۱۹ می‌باشد که در سطح ۹۵ درصد اطمینان نیز معنادار است و این نشان از هم‌تغیری این دو متغیر در جوامع دارد، که در یکی از حیطه‌های توسعه موجب تغییر در حیطه‌های دیگر می‌گردد. جدول زیر گویای این امر است که افزایش ثبات سیاسی یک جامعه منجر به افزایش توسعه اقتصادی همان جامعه می‌گردد، که این امر با نظریات موجود با این زمینه دارای همخوانی است، همان‌طور که در فصل پیشین تحقیق هم گفته شد بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد به وجود ارتباط بین این دو متغیر دارند. با توجه به نتایج بدست آمده رابطه دو متغیر ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برابر ۰,۳ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. البته لازم



به ذکر است که در ابتدای امر تلاش شد تا ابتدا رابطه همبستگی ابعاد مختلف متغیر ثبات سیاسی و متغیر توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که تقریباً تمامی ابعاد متغیر ثبات سیاسی با توسعه اقتصادی دارای رابطه معناداری بودند؛ که در این قسمت تنها به بررسی رابطه دو متغیر به طور کلی پرداخته شده است.

در نهایت لازم به ذکر است که متغیر توسعه اقتصادی با متغیر سرمایه‌گذاری خارجی دارای همبستگی معناداری می‌باشد و این بدان معناست که افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در یک جامعه می‌تواند توسعه اقتصادی را برای آن جامعه بدنبال داشته باشد و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری خارجی یک جامعه را از رسیدن به توسعه اقتصادی باز می‌دارد.

جدول شماره (۳): جدول همبستگی متغیرهای واسطه‌ای و متغیر توسعه

اقتصادی

متغیرهای مستقل	توسعه سیاسی	ثبات سیاسی	مهاجرت	فرار نخبگان	سرمایه-گذاری خارجی	تشکیل سرمایه
توسعه	۰.	۰.	-۰.	-۰.	۰.	۰.۱۷۸
اقتصادی	۱۹۳*	۳۰.۵**	۴۱۵*	۳۹۲*	۱۹۸*	۰.۵۳۴
معناداری	۰.۵۳۴	۰.۰۲۳	۰.۰۳۴	۰.۰۳۲	۰.۰۲۰	۱۳۱
N	۱۲۹	۱۲۸	۱۳۰	۱۳۲	۱۳۳	

پژوهش
سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

همچنین لازم است توجه شود که در جدول بالا رابطه متغیرهای توسعه اقتصادی و متغیر تشکیل سرمایه در جوامع مورد بررسی قرار گرفت که این رابطه معنادار نبود.

متغیرهای همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی:

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی ارتباط بین همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی بوده است؛ در ادامه تلاش خواهد شد تا رابطه دو متغیر اصلی تحقیق بدون وجود متغیرهای واسطه‌ای و به طور مستقیم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. لذا در این قسمت به رابطه همبستگی ابعاد مختلف متغیر همسویی دولت و ملت با متغیر توسعه اقتصادی پرداخته خواهد شد.

برای اینکه روابط متغیرها بطور طولی مورد مقایسه قرار گیرد لذا رابطه همبستگی بین متغیرهای همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی ابتدا بصورت دوره زمانی و در قالب دوره‌های پنج ساله ارائه شده و سپس رابطه آنها در کل دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

در این بررسی تلاش شده تا تأثیر همسویی دولت و ملت در سه دوره زمانی پنج‌ساله به طور مجزا بر توسعه اقتصادی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ میلادی کشورهای جهان مورد بررسی قرار گیرد، لذا لازم است که توجه شود، در دو دوره اول متغیر به صورت طولی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین معنی که تأثیر تحولات دوره اول بر دوره سوم و سپس تأثیر دوره دوم بر دوره سوم مورد تحلیل قرار می‌گیرد، اما در دوره سوم تحلیل بصورت مقطعی و همزمان صورت می‌گیرد، یعنی تأثیر همسویی دولت و ملت در دوره زمانی سوم بر توسعه

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

همسویی دولت و ملت و تأثیر آن بر ... ۲۲۵

اقتصادی در همان دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که ستون پایانی جدول میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر در کل دوره زمانی مورد احتساب قرار گرفته و رابطه دو متغیر در کل دوره زمانی ارائه شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید، اکثر متغیرهای همسویی دولت و ملت دارای رابطه مستقیم و معناداری با توسعه اقتصادی در جوامع می‌باشند.

جدول شماره (۴): جدول همبستگی متغیرهای همسویی دولت و ملت و

توسعه اقتصادی

کل دوره	۲۰۰۰-۲۰۰۴	۹۹-۹۵	۹۴-۹۰	
	-۰,۳۵۶**	-۰,۲۹۲	-۰,۴۴۱*	-۰,۲۵۵**
اعتراض	۰,۰۰۱	۰,۰۶۵۷	۰,۰۳۱	۰,۰۰۱
معناداری	۳۵۸	۱۲۳	۱۲۰	۱۱۵
N				
	-۰,۳۹۴**	-۰,۰۵۶*	-۰,۵۵۶**	-۰,۰۶**
شورش	۰,۰۰۱	۰,۰۴۲	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱
معناداری	۳۴۵	۱۱۶	۱۱۹	۱۱۰
N				
	۰,۲۴۸*	۰,۶۳۵	۰,۵۵۶**	۰,۱۳۳
وفاق و اجماع	۰,۰۲۱	۰,۸۹۲	۰,۰۰۱	۰,۴۳۴
معناداری	۳۵۴	۱۲۴	۱۱۵	۱۱۵
N				
	۰,۱۶۵**	۰,۲۰۸	۰,۳۵۶**	۰,۰۹۶*
انسجام اجتماعی-	۰,۰۰۱	۰,۳۴۵	۰,۰۰۱	۰,۰۲۱
سیاسی	۳۶۱	۱۱۹	۱۲۲	۱۲۰
معناداری				

بهار ۱۳۹۶
سال سوم، شماره ۹

				N
-۰,۴۵۷*	-۰,۷۶۸	-۰,۵۸۶**	-۰,۰۵۶	شکاف سیاسی
۰,۰۲۱	۰,۲۳۴	۰,۰۰۱	۰,۱۳۴	معناداری
۳۴۴	۱۱۷	۱۱۶	۱۱۱	N
-۰,۲۳۴	۰,۰۰۶	-۰,۱۱۱	-۰,۵۹۳	زندانیان سیاسی
۰,۰۳۰	۰,۴۲۴	۰,۲۰۰	۰,۳۵۰	معناداری
۳۴۲	۱۱۵	۱۱۷	۱۱۰	N
-۰,۵۷۳**	-۰,۱۴۱	-۰,۶۱۳**	-۰,۲۰۴*	تضاد نظامی درون
۰,۰۰۱	۰,۰۷۰	۰,۰۰۱	۰,۰۲۷	دولتی
۳۷۳	۱۳۰	۱۲۴	۱۱۹	معناداری
				N

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید، در این جدول رابطه ابعاد هفت-گانه متغیر همسویی دولت و ملت با متغیر توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج بدست آمده اکثر ابعاد این متغیر با توسعه اقتصادی دارای رابطه معناداری بوده است.

در دوره پنج‌ساله اول متغیرهای شورش، اعتراض، انسجام اجتماعی - سیاسی و متغیر تضاد نظامی درون دولتی با متغیر توسعه اقتصادی دارای رابطه معناداری می‌باشند و در دوره دوم متغیرهای اعتراض، شورش، وفاق، انسجام اجتماعی - سیاسی، شکاف سیاسی و تضاد نظامی درون دولتی دارای همبستگی معنادار می‌باشند و در نهایت اینکه در دوره پنج‌ساله سوم تنها متغیر شورش با متغیر توسعه اقتصادی دارای رابطه هستند و این بیشتر بدان دلیل است که در این

همسویی دولت و ملت و تأثیر آن بر ... ۲۲۷

دوره تأثیر همزمان متغیرهای همسویی دولت و ملت بر توسعه اقتصادی جوامع سنجیده شده است. لازم به ذکر است که در بررسی روابط دو متغیره در کل دوره، متغیر تضاد نظامی درون دولتی بیشترین همبستگی را با توسعه اقتصادی جوامع داشته است و کمترین همبستگی را انسجام اجتماعی - سیاسی به میزان ۰,۱۶۵ داشته است.

همچنین لازم به ذکر است که از بین این متغیرها تنها متغیر میزان زندانیان سیاسی، که مشخص کننده تعداد کسانی است که بدلائل سیاسی در زندان به سر می‌برند، دارای همبستگی معناداری با توسعه اقتصادی نبود.

همبستگی همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی به تفکیک مناطق جغرافیایی:

با توجه به آنچه عموم صاحب‌نظران و محققان پیشنهاد نموده‌اند در این بخش به اجمال و در قالب جدول زیر تلاش شده تا کیفیت همبستگی همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی در مناطق جغرافیایی مختلف به صورت جداگانه محاسبه و ارائه گردد.

جدول شماره (۵): جدول همبستگی همسویی دولت و ملت و توسعه

اقتصادی به تفکیک مناطق جغرافیایی



بهار ۱۳۹۶
سال سوم، شماره ۹

آفریقا	خاورمیانه	آسیا و اقیانوسیه	کشورهای اسکاندیناوی	آمریکای جنوبی	آمریکای شمالی	اروپای شرقی	اروپای غربی	همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی
۴۲۴۰	۲۸۱۰	۳۷۰	۵۲۲۰	۲۹۳۰	۴۹۱۰	۳۴۲۰	۴۲۱۰	ضریب همبستگی پیرسون
۲۹	۱۱	۲۷	۳	۹	۴	۱۸	۱۵	تعداد

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در جدول بالا رابطه همبستگی بین دو متغیر اصلی تحقیق یعنی همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی به تفکیک مناطق جغرافیایی ارائه شد. رابطه این دو متغیر در اکثر مناطق جغرافیایی معنادار بود و تنها در منطقه جغرافیایی آسیا و اقیانوسیه بود که این رابطه معنادار نبود. همچنین لازم به ذکر است که رابطه این دو متغیر در کشورهای اسکاندیناوی بیشتر از سایر مناطق جهان بود و درمقابل در بین کشورهای خاورمیانه کمترین همبستگی بین دو متغیر همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی مشاهده می‌شود.

رگرسیون چندگانه متغیرهای واسطه‌ای و توسعه اقتصادی:

مجموعه‌ای از فرضیات تحقیق حاضر، بر این ایده استوار بود که تأثیر همسویی دولت و ملت بر توسعه اقتصادی، از مسیر چند سازوکار اعمال می‌شود. بر همین اساس و از طریق رگرسیون چند متغیره، تلاش شد تا این اثرگذاری و اثرپذیری و شدت آن بررسی شود. در بخش‌های قبلی رابطه و تأثیر متغیر همسویی دولت و ملت بر روی متغیرهای واسطه‌ای مورد تجزیه و

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

تحلیل قرار گرفت، در اینجا نیز اثرگذاری متغیرهای واسطه‌ای بر متغیر توسعه اقتصادی مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۶): جدول رگرسیون چندگانه توسعه اقتصادی بر حسب متغیرهای واسطه‌ای

توسعه اقتصادی				متغیر وابسته
کل دوره	۲۰۰۴-۲۰۰۰	۹۵-۹۹	۹۰-۹۴	
متغیر مستقل				
توسعه سیاسی	۰.۱۲۳	۰.۲۴۲*	۰.۱۵۸	۰.۱۰۵**
ثبات سیاسی	۰.۲۵۹	۰.۲۰۱*	۰.۳۴۹*	۰.۲۴۷*
مهاجرت	-۰.۰۱۴	-۰.	-۰.	-۰.
فرار نخبگان	۰.۰۵۸	-۰.۳۹۰	-۰.۲۱۱	۲۲۱**
سرمایه‌گذاری خارجی	۰.۰۶۷۸	۰.۱۲۹*	۰.۳۳۲*	۲۵۱*
تشکیل سرمایه	۰.۰۲۸*	۰.۱۳۹	۰.۰۱۲	۳۰۲**
N	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۰	۳۴۱
R2	۰.۲۳۷	۰.۲۸۰	۰.۳۵۶	۰.۳۳۱



سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

همان‌طور که مشاهده می‌کنید جدول زیر رگرسیون توسعه اقتصادی بر حسب متغیرهای واسطه‌ای را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که تمامی متغیرهای

واسطه‌ای در کنار یکدیگر توانسته‌اند در سه دوره زمانی مجموعاً ۲۳ الی ۳۸ درصد تغییرات متغیر توسعه اقتصادی را تبیین کنند. در بین تمامی متغیرهای واسطه‌ای تنها متغیر فرار نخبگان است که در هیچ‌یک از سه دوره زمانی دارای ضریب رگرسیون معناداری نمی‌باشد و سایر متغیرها حداقل در یک دوره زمانی دارای ضرایب معناداری بوده‌اند.

رگرسیون چندگانه همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی:

موضوع اصلی این تحقیق بررسی رابطه همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی جوامع می‌باشد. بر همین اساس در ادامه تلاش شد تا رگرسیون چندگانه دو متغیر همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در جدول زیر نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه توسعه اقتصادی برحسب متغیر همسویی دولت و ملت ارائه شده است. ملاحظه می‌شود که تمامی متغیرهای واسطه‌ای در کنار یکدیگر توانسته‌اند در سه دوره زمانی مجموعاً ۳ الی ۴۸ درصد تغییرات متغیر توسعه اقتصادی را تبیین کنند. در بین تمامی متغیرهای واسطه‌ای تنها متغیر زندانیان سیاسی است که در هیچ‌یک از سه دوره زمانی دارای ضریب رگرسیون معناداری نمی‌باشد و سایر متغیرها حداقل در یک دوره زمانی دارای ضرایب معناداری بوده‌اند.

جدول شماره (۷): جدول رگرسیون چندگانه توسعه اقتصادی برحسب

متغیرهای همسویی دولت و ملت

توسعه اقتصادی	متغیر وابسته
---------------	--------------

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۶

متغیر مستقل	۹۴-۹۰	۹۹-۹۵	۲۰۰۰-۲۰۰۴	کل دوره
اعتراض	-۰.۱۵۱	-۰.۲۱۴*	-۰.۳۱۸	-۰.۱۵۹
شورش	-۰.۰۹۱*	-۰.۰۴۱**	-۰.۲۱۳*	-۰.۰۳۱۷**
وفاق و اجماع	۰.۳۱۹	۰.۰۲۵*	۰.۷۱۹	۰.۲۲۸
شکاف سیاسی	-۰.۱۴۹**	-۰.۳۲۴*	۰.۱۱۸	-۰.۰۳۰۱**
انسجام اجتماعی - سیاسی	۰.۰۱۹*	۰.۲۰۲*	۰.۵۴۲	۰.۱۹۹*
تضاد نظامی درون دولتی	-۰.۳۰۹**	۰.۰۱۸	-۰.۰۱۱*	-۰.۰۲۴۰*
زندانیان سیاسی	۰.۴۲۸	۰.۵۱۳	۰.۰۶۷	۰.۰۸۳
N	۱۱۰	۱۱۵	۱۱۶	۳۴۱
R2	۰.۳۰۶	۰.۴۸۰	۰.۰۳۷	۰.۴۷۱

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید در دوره پنج‌ساله اول (۱۹۹۴-۱۹۹۰)، چهار متغیر از متغیرهای همسویی دولت و ملت دارای ضرایب رگرسیون معنادار می‌باشند، که این چهار متغیر عبارتند از: شورش، شکاف سیاسی، انسجام اجتماعی - سیاسی و تضاد نظامی درون دولتی؛ که در این بین بیشترین ضریب متعلق به متغیر تضاد نظامی درون دولتی بوده است.



رابطه همسویی دولت و ملت به تفکیک نوع حکومت:

یکی از ایده‌هایی که در ادبیات سیاسی مطرح است، اینکه اثرات همسویی دولت و ملت و پیامدهای آن به طور کلی، در کشورهای با ساختار سیاسی دموکراتیک می‌تواند از کشورهای اقتدارگرا متفاوت باشد. بر همین اساس و به منظور بررسی این فرضیه، کشورها براساس میزان Polity نظام سیاسی‌شان به دو گروه اقتدارگرا و دموکراتیک تقسیم شدند و همبستگی همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی به طور مجزا در این دو گروه محاسبه گردید که نتایج آن در جداول زیر آورده شده است.

جدول شماره (۸): جدول همبستگی دو متغیره همسویی دولت و ملت و

توسعه اقتصادی در کشورهای دموکراتیک

توسعه اقتصادی		
۰.۵۴۱**	ضریب همبستگی پیرسون	همسویی دولت و ملت
۵۳	تعداد کل	

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید همبستگی متغیرهای همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی در کشورهای دموکراتیک مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن ارائه شده است. بر اساس نتایج بدست آمده ضریب پیرسون این دو متغیر برابر ۰.۵۴ می‌باشد که در سطح ۹۹ درصد معنادار است. جدول شماره (۹): جدول همبستگی دو متغیره همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی در کشورهای اقتدارگرا

توسعه اقتصادی	
---------------	--



۰.۳۲.*	ضریب همبستگی پیرسون	همسویی دولت و ملت
۶۸	تعداد کل	

در ادامه و در جدول بالا نیز همین رابطه در بین کشورهای اقتدارگرا مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج بدست آمده مشخص گردید که ضریب پیرسون این دو متغیر برابر ۰,۳۲ می باشد که در سطح ۹۵ درصد معنادار است. بر این اساس ملاحظه می شود که همبستگی همسویی دولت و ملت و توسعه اقتصادی در کشورهای با نظام سیاسی بازتر، بسیار قوی تر از کشورهایی است که یک نظام سیاسی بسته بر آنها حاکم است.

تحلیل مسیر:

در این قسمت تلاش شده ضرایب مسیر هر یک از دوره های زمانی پنج ساله بصورت جداگانه ارائه شده تا بدین وسیله زمینه برای مقایسه بین دوره های زمانی فراهم گردد. ضرایب مسیر دوره پنج ساله اول یعنی سال های ۱۹۹۴-۱۹۹۰، ضرایب مسیر دوره پنج ساله دوم یعنی سال های دوره ۱۹۹۹-۱۹۹۵، ضرایب مسیر دوره پنج ساله سوم یعنی سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۰ و در نهایت ضرایب مسیر مربوط به کل دوره ها، که در آن ضریب مسیر کل دوره ۱۵ ساله ارائه شده است.

دیاگرام مسیر تأثیر متغیرها در هر دوره بر روی متغیر دیگر در دوره بعدی ارائه شده است. علاوه بر آن معناداری هر یک از ضرایب (* سطح ۹۵ درصد و ** سطح ۹۹ درصد را نشان می دهد) نیز در دیاگرام ها نشان داده شده است. در جدول زیر ضرایب بتا و همچنین سطح معناداری هر کدام از متغیرها می باشد



که تمامی روابط مستقیم متغیرهای مستقل و میانی با متغیر وابسته را مجموعاً در قالب رگرسیون محاسبه و ارائه نموده است.

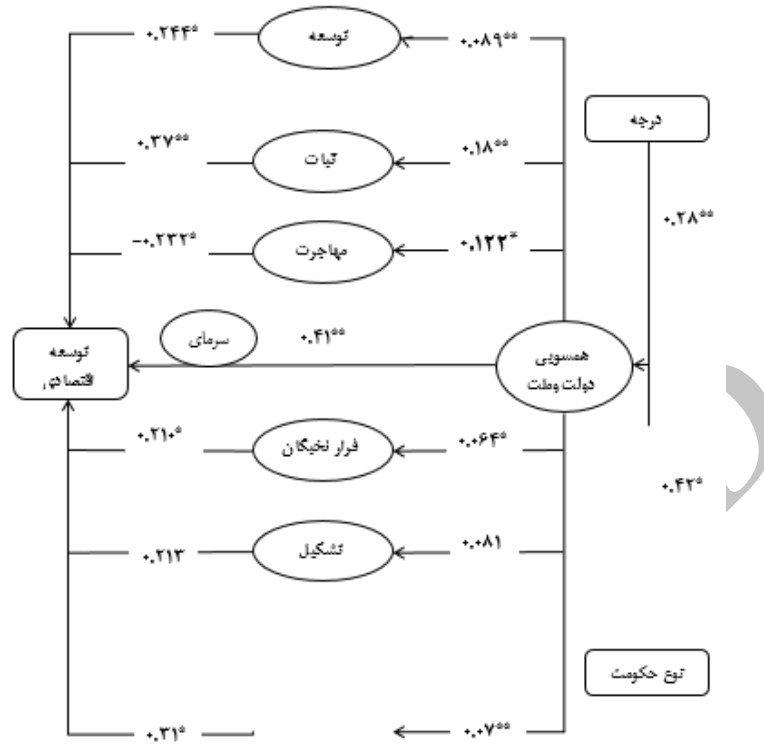
جدول شماره (۱۰): تأثیر مستقیم متغیر همسویی دولت و ملت و متغیرهای

واسطه‌ای بر توسعه اقتصادی

سطح معناداری	ضریب بتا	
۰.۰۰۰	۰.۴۱۱**	همسویی دولت و ملت
۰.۰۲۴	۰.۲۴۴*	توسعه سیاسی
۰.۰۰۰	۰.۳۷۵**	ثبات سیاسی
۰.۰۳۱	-۰.۲۳۲*	مهاجرت
۰.۰۲۰	-۰.۲۱۰*	فرار نخبگان
۰.۵۳۶	۰.۲۱۳	تشکیل سرمایه
۰.۰۴۳	۰.۳۱۱*	سرمایه‌گذاری خارجی

لازم به ذکر است که ضرایب ارائه شده در جدول بالا مربوط به کل دوره‌های زمانی مورد بررسی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، بیشترین تأثیر مستقیم مربوط به متغیر همسویی دولت و ملت و کمترین تأثیر مستقیم متعلق به متغیر فرار نخبگان می‌باشد. از بین تمامی متغیرهای وارد شده ضریب رگرسیون متغیر تشکیل سرمایه معنادار نمی‌باشد.

دیاگرام مسیر تأثیر شاخص همسویی دولت و ملت بر توسعه اقتصادی



نمودار شماره (۳)



بهار ۱۳۹۶
سال سوم، شماره ۹

Archive

نتیجه گیری

همان‌طور که پیشتر هم گفته شد، هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه و تأثیر همسویی دولت و ملت بر توسعه اقتصادی و مشخص نمودن سازوکارها و مکانیسم‌های موجود در این بین بود. ما در این تحقیق بدنبال پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که چگونه همسویی و اتحاد دولت و ملت بر روند توسعه اقتصادی جوامع تأثیر می‌گذارد و این مسأله را بصورت تجربی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ میلادی مورد بررسی قرار دادیم. به منظور نائل شدن به این هدف از رویکردهای تئوریکی مختلف که هر یک به بعد یا ابعادی از مسأله پرداخته بودند، استفاده و در نهایت مدل نظری تحقیق براساس تلفیق تئوری‌ها بدست آمد. سپس در ادامه تلاش شد تا مدل بدست‌آمده از رهیافت‌های تئوریک، با توجه به داده‌های موجود در سطح کشورها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در ادامه به تشریح نتایج حاصل از این تحقیق بصورت خلاصه خواهیم پرداخت.

در بررسی میانگین توسعه اقتصادی جوامع مشخص گردید که کشورهای اروپای غربی بخصوص کشورهای اسکاندیناوی و همچنین کشورهای آمریکای شمالی از وضعیت بهتری نسبت به سایر مناطق جهان برخوردارند و این برتر بودن در بررسی سایر متغیرهای تحقیق تاحدودی محسوس بود، به گونه‌ای که این کشورها در حیطه همسویی دولت و ملت نیز شرایط بهتری را دارا بودند. در بررسی میانگین متغیرهای اعتراض، شورش، شکاف سیاسی و تضاد درون‌دولتی کشورها مشخص شد که کشورهای اروپای غربی، اسکاندیناوی و آمریکای شمالی کمترین میزان را دارا هستند و به تبع آن دارای بیشترین میزان انسجام و وفاق اجتماعی می‌باشند. در طرف دیگر کشورهای آسیایی، خاورمیانه و آفریقایی و تاحدودی کشورهای آمریکای جنوبی و

اروپای شرقی قرار دارند که در وضعیت متقابل قرار گرفته‌اند و همسویی دولت و ملت در این کشورها از وضعیت به نسبت بدتری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیق حاضر این مسأله است که به نظر می‌رسد الگوهای متنوعی از رابطه دولت و ملت در کشورهای مختلف وجود دارد. در کشورهای توسعه‌یافته نوع خاصی از رابطه بین دولت و ملت مشاهده می‌شود که در آن دولت و ملت هرکدام دارای جایگاه خاصی بوده و هیچ‌یک بر دیگری غالب نیست و هریک در عین وابستگی به یکدیگر از استقلال نسبی از دیگری قرار دارد. الگوهای موجود در این کشورها سبب شده تا دولت‌ها خود را در کنار ملت‌هایشان و نه در برابر آنها ببینند. اما الگوی دیگری از رابطه دولت و ملت در سایر نقاط جهان، بخصوص کشورهای آسیایی و آفریقایی مشاهده می‌شود که در آن‌ها رابطه دولت و ملت را بنا به نظر بسیاری از صاحب‌نظران می‌توان در دو شکل کلی تقسیم‌بندی کرد؛ یکی زمانی است که دولت بر ملت غالب است و دیگری زمانی است که ملت بر دولت غالب است، که هر دو شکل آن نوعی از عدم همسویی و اتحاد داوطلبانه (و نه اجباری) در این کشورها را بوجود آورده است. در این دسته از کشورها عدم وجود یک دولت مرکزی و منسجم و از سوی دیگر عدم وجود یک ملت واحد و متحد، سبب گردیده تا یک رابطه نامتوازن بین دولت و ملت شکل گیرد، که همین امر بی‌ثباتی سیاسی و عقب‌افتادگی اقتصادی را برای این کشورها به ارمغان آورده است.

همچنین لازم به ذکر است که در تحقیق حاضر تلاش شد تا نوع عدم همسویی و شکاف میان دولت و ملت در مناطق مختلف جهان نیز مورد بررسی قرار گیرد. دسته‌بندی که در تحقیق حاضر صورت گرفته بود، از این قرار بود که در



کشورهای مختلف سه نوع از عدم همسویی و شکاف می‌تواند بین دولت و ملت بروز یابد؛ یکی عدم همسویی بر سر مسائل سرزمینی بود، که در آن بخشی از مردم یک کشور تلاش به جدایی از آن کشور و اعلام خودمختاری را داشتند و دیگری عدم همسویی سیاسی یا حکومتی بود، که در آن مردمان یک کشور به وضعیت سیاسی حاکم بر کشورشان اعتراض و یا خواهان تغییرات حکومتی بودند و نوع سوم نیز ترکیبی از این دو بود. در غالب شرایط حاکم بر کشورهای توسعه‌نیافته آسیایی و آفریقایی عدم همسویی از نوع سیاسی و حکومتی بود و در تعداد اندکی از کشورها قیام‌ها و تحرکات جدایی‌طلبانه مشاهده می‌شد، بر همین اساس به نظر می‌رسد که ملت‌ها در کشورهای توسعه نیافته از حکومت‌های حاکم در کشورهایشان رضایت کمتری داشته و به تبع آن خواستار تغییرات سیاسی در کشورهایشان هستند و همین امر زمینه را برای عدم همسویی دولت و ملت در این کشورها فراهم آورده است.

فهرست منابع

الف) فارسی

- اکبری، حسین. (۱۳۹۰). *عوامل و موانع تشکیل اجتماع ملی در کشورهای در حال توسعه، با تأکید بر ایران، با راهنمایی دکتر مسعود چلی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، گروه جامعه‌شناسی.*
- بوزان، بری. (۱۳۷۹). *مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه مرکز مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.*
- چلی، مسعود. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.*
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۵). *بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.*
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹). *چالشهای توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس.*
- کلانتری، صمد. (۱۳۸۴). *نگاهی نو به مسایل اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناختی جهان سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.*
- گرینفیلد، لیا. (۱۳۸۷). *ملت، دایرةالمعارف ناسیونالیسم، ترجمه نسرین طباطبایی، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.*
- گیبیرنا، مونترات (۱۳۷۸). *مکاتب ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم، ترجمه امیرمسعود اجتهادی تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.*
- میلر، دیوید. (۱۳۸۳). *ملیت، ترجمه داود غزایاق زندی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.*
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران: انتشارات گستره.*
- وینسنت، اندرو. (۱۳۷۶). *نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.*



ب) انگلیسی

- Abdollahi, Mohammad. (1979). *Capitalism And Brain Drain: A Dialectical Analysis of Highly Qualified Manower From Less Developed To More Developed Capitalist Countries "Iran And The US"*. An unpublished Doctoral Dissertation. Western Michigan University.
- Anderson, Benedict. (1983). *Imagined Communities*, London, Verso.
- Bijsterbosch, Erik & Van Den Oever. (2004) . "Nation State And Space". Radboud University Nijmegen.
- Bill, James & Hardgrave, Robert. (1981). *Comparative Politics: The Quest Theory*, Boston: University Press of American.
- Biswas, Shampa. (2002). "Whither The Nation State? Nation And State Identity In The Face of Fragmentation And Globalization," *Global Society*, Vol 16, No 2.
- Bogdandy, Armin & Wolfrum, R.. (2005). "State-Building, Nation-Building, and Constitutional Politics in Post-Conflict Situations": *Conceptual Clarifications and An Appraisal of Different Approaches*, Max Planck Yearbook of United Nation Law, Volume 9,
- Bornschieer, Simon. (2009). *Cleavage Politics in Old and New Democracies*, University of Zurich, Institute for Political Science
- Brempong, Kwabena & Thmas Traynor. (1996). "Political Instablity And Saving in Less Development Countries", *The Journal of Development Studies*.
- Collier, David. (1993). *The Comparative Method, Political Science: The State of The Didcipline*, American Political Science Association.
- Converci, Daniele. (2012) . "Modernism And Nationalism". *Journal of Political Ideologies*.
- Gurr, Ted Robert. (1993). "Why Minority Rebel: A Global Analysis of Communal Mobilization And Conflict Since 1945", *International Political Science Review*.
- Gurr, Ted Robert. (2000) . *People Vrsus State: Minorities At Risk In The New Century*. Washington D.C : Unitd Stat Institut of Peace Press.
- Hearn, j. (2006). *Rethinking Nationalism Acritical Introduction*, NewYork Palgrave Macmillan.
- Kedourie, Elie, (1986). *Nationalism*, Hutchinson University Library, London.



- Marshall, A. (1930). *Principle of Economics*, Mac Milan And Co.
- Matis, Herbert & Teichova, Alice. (2003) . *Nation, State And The Economy In The History*. Chicago University press.
- Meyer, John W & Boli, John. (2011) . “*World Society And The Nation _ state* “. The University of Chicago Press, Chicago Journals.
- Pick, Anthony D. (2011). “*The Nation State*”. An Unpublished Essay.
- Puri, J. (2004). *Encountering Nationalism, 21st Century Sociology*, Malden, MA Blackwell.
- Smith, Anthony. D. (2000). *Nationalism And Modernism: A critical Survey of Resent Theories of Nation And Nationalism*, London And New York, Routledge.
- Teichova, Alice & Matis, Herbert. (2003). *Nation, State And The Economy In History*, Cambridge University Press.
- Trimikliniotis, Nicos .(2000). *The Role of State Processes In The Production of Ethnic Conflict: The Nation-State Dialectic, Europeanisation And Globalisation*, Phd Thesis, University of Greenwich.